

# فصلنامه علمی- پژوهشی ربیافت

سال دوازدهم، شماره ۶۱، بهار ۱۳۹۷  
صفحه ۶۱ تا ۸۸

## ماهیت و ارکان دولت اسلامی در دیدگاه حضرت آیت الله خامنه‌ای

خدیجه محمدی مزرعی / کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی انقلاب، دانشگاه شاهد

M.Mohammadi.Kh@Chmail.Ir

مهدی نادری / استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه شاهد Mahdinaderi35@Gmail.Com

### چکیده

در دیدگاه آیت الله خامنه‌ای در فرآیند پنج مرحله‌ای تحقق کامل اهداف انقلاب اسلامی (انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی و تمدن اسلامی)، دولت اسلامی سومین و مهم‌ترین گام در این فرآیند است که از نظر ایشان تاکنون شکل نگرفته است. این مقاله با روش کیفی از نوع تحلیل اسنادی و ابزار فیش‌برداری، در صدد پاسخ به این سوال اصلی است که «ماهیت و ارکان دولت اسلامی از دیدگاه حضرت آیت الله خامنه‌ای چیست؟». یافته‌های تحقیق بر چند نکته تأکید دارد: ۱. دولت اسلامی متشکل از مجموعه نهادها و کارگزاران و نه صرفاً قوه مجریه است و آنچه عملاً دولت را متصف به اسلامی بودن یا نبودن آن می‌نماید «عملکرد و جهت‌گیری اسلامی» می‌باشد. ۲. سازه فکری در روند تحقق دولت اسلامی، شریعت مقدس اسلام است که مفسر وظایف، ارزش‌ها، جهت‌گیری‌ها و اهداف حاکم بر دولت اسلامی می‌باشد. حکمرانی موفق رسول اکرم (ص) و امام علی (ع) در دولت نبوی و علوی، الگوی آرمانی تحقق دولت اسلامی در بافت نظام جمهوری اسلامی است. ۳. مردم، کارگزاران و نهادها از ارکان اصلی دولت اسلامی هستند که بدون همراهی آنها عملاً امکان تحقق دولت اسلامی وجود ندارد. مردم در نظام اسلامی نقش تعیین‌کننده داشته و رای و انتخاب آنها به مثابه امانت الهی است و صیانت از آن، واجب شرعی است. سلامت اعتقادی، اخلاقی و رفتار اسلامی کارگزاران و نهادها، سنج و تراز دولت اسلامی خواهد بود.

**کلیدواژه:** اسلام، انقلاب اسلامی، دولت اسلامی، کارگزاران، آیت الله خامنه‌ای.

تاریخ تأیید ۱۳۹۷/۰۲/۱۸

تاریخ دریافت ۱۳۹۷/۰۱/۲۹

## مقدمه

انقلاب اسلامی ایران به عنوان یک دگرگونی و تحول بنیادی به رهبری امام خمینی (ره) و پشتیبانی اقشار مختلف مردم، در سال ۱۳۵۷ با هدف مبارزه با استبداد، استعمار و نیل به آزادی، استقلال و همچنین تشکیل امت واحده به پیروزی رسید. انقلاب اسلامی با ارائه یک نظم جدید به بشریت، در پی تشکیل حکومت و نظام اسلامی به منظور بدیلی برای رژیم پهلوی درآمد. با این حال، زبان و پیام انقلاب نمی‌توانست در مرزهای ایران منحصر بماند. این انقلاب، حاوی پیام مشترکی برای بشریت بوده است که همانا مقابله با نظام سلطه، رهایی مستضعفین از یوغ مستکبرین و عدالت خواهی جهانی است. در راستای تحقق چنین اهدافی، همواره تشکیل دولت اسلامی به عنوان یک اصل مطرح بوده است. پس از رحلت بنیانگذار انقلاب اسلامی، در زمان رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای نیز این امر خطیر مورد تأکید جدی ایشان بوده است تا آنجا که تشکیل دولت اسلامی به عنوان یک گام مهم در سیر تحقق تمدن اسلامی از سوی آیت الله خامنه‌ای بیان شده است. (بیانات ۱۳۹۰/۷/۲۴)

آیت الله خامنه‌ای با تبیین فرآیند پنج گانه انقلاب اسلامی (انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی، امت اسلامی) بر این نکته تأکید دارند که با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ و تشکیل نظام جمهوری اسلامی و تثبیت قانون اساسی در سال‌های ابتدایی، مراحل اول و دوم گام‌های پنجگانه محقق شده است اما به رغم تلاش‌های صورت گرفته، دولت اسلامی در معنای حقیقی محقق نشده و تأکید دارند که باید دولت اسلامی به عنوان گام سوم از روند تحقق تمدن اسلامی هرچه زودتر محقق شود. با توجه به اهمیت موضوع، دغدغه‌ها و مطالبات مکرر ایشان مبنی بر لزوم تشکیل دولت اسلامی، مقاله حاضر سعی دارد جهت پر کردن خلأ نظری در این زمینه و برطرف کردن ابهامات موجود، به واکاوی ماهیت دولت اسلامی در دیدگاه مقام معظم رهبری (مدظله العالی) بپردازد. این مقاله با کاربست روش کیفی از نوع تحلیل اسنادی، در پی پاسخ به این سوال است که «ماهیت و ارکان دولت اسلامی در دیدگاه آیت الله خامنه‌ای چیست؟».

## چارچوب نظری

### الف. ماهیت، کارکرد، اهداف و اقسام دولت:

#### ۱- ماهیت دولت

دولت را می‌توان ساختی از قدرت دانست که ملت‌ها به منظور برقراری نظم و قانون در بین خود و دفاع از سرزمینشان به وجود می‌آورند (آشوری، ۱۳۹۱: ۱۶۳). هیوود، دولت را از

سه چشم انداز و رویکرد ایدئالیستی، رویکرد کارکردگرایانه و رویکرد سازمانی مورد بررسی قرار داده است. در رویکرد ایدئالیستی متاثر از دیدگاه هگل، دولت تبلور «از خودگذشتگی همگانی» است. در رویکرد کارکردگرایانه دولت مجموعه‌ای از نهادها است که کارکرد نظم و ثبات اجتماعی را برعهده دارند. و در رویکرد سازمانی، دولت را مجموعه‌ای از نهادهای «عمومی» معرفی می‌کنند که مسئول سازمان‌دهی جمعی زندگی اجتماعی‌اند و به هزینه عموم مردم تأسیس شده‌اند. هیوود مهم‌ترین ویژگی‌های دولت را حکمرانی و به کار بردن قدرت مطلق و نامحدود، عمومی بودن نهادهای دولتی، مشروعیت داشتن، ابزار سلطه بودن و سرزمینی بودن برمی‌شمارد (هیوود، ۱۳۹۲: ۱۲۹-۱۳۱). نظر به اینکه در فرهنگ سیاسی ایرانی‌ها، بین تعریف حقوقی و سیاسی دولت تمیز قائل نشده‌اند، تعریف مختار نویسندگان از دولت چنین است: «دولت به معنای مجموعه نهادهای حقوقی و قضائی، دستگاه‌های اجرائی و کارگزاران حکومتی است که وظیفه حکمرانی بر مردم مبتنی بر قانون اساسی، به منظور تأمین منفعت عمومی را بر عهده دارد».

## ۲- کارکرد دولت

در هر نظام سیاسی، دولت جهت پیشبرد اهداف مدنظر آن نظام شکل می‌گیرد، در نتیجه دولت کارکردهای خاصی را بر عهده دارد (بشیریه، ۱۳۸۷: ۲۷). می‌توان کارویژه‌های عمومی دولت را به چهار بخش ایجاد همبستگی، حل کشمکش‌ها و منازعات، دستیابی به اهداف کلی حکومت و تطبیق با شرایط جدید دانست (بشیریه، ۱۳۸۷: ۱۰۸-۱۱۱).

## ۳- اهداف دولت

از آن‌جا که دولت‌ها برخاسته از نظام‌های سیاسی متفاوتی هستند و هر نظام سیاسی، نگاه خاصی به انسان، جهان و عالم هستی دارد؛ می‌توان گفت دولت‌ها نیز با توجه به نظام‌های سیاسی مختلف، تمایز می‌یابند. در نتیجه اهداف دولت‌ها از هم افتراق می‌یابند و هر دولتی در چهارچوب نظام سیاسی برخاسته از آن به دنبال تحقق اهداف خود است. در این میان، نظام سیاسی اسلام، اهداف و مبانی خاص خود را دارد و با توجه به همین مبانی و اصول نیز دولت اسلامی متناسب با آن شکل می‌گیرد (عظیمی شوشتری، ۱۳۸۸: ۱۰۳).

## ب. دین و دولت در نظام سیاسی اسلام

### ۱- ماهیت دین:

دین الهی مجموعه‌ای از عقاید، اخلاق و قوانین رفتاری است که خداوند برای هدایت و رستگاری بشر تعیین کرده است. در واقع دین، مصنوع و مجعول الهی است به این معنا که همه دین از طرف ذات اقدس الهی است (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۱۹).

## ۲- کارکرد دین:

رویکردهای گوناگونی در مغرب زمین و جهان اسلام نسبت به قلمرو دین وجود دارد. دو دیدگاه کلی در این باره را می‌توان به صورت زیر بیان کرد:

**الف. قرائت حداقلی از دین اسلام:** بر اساس این دیدگاه از دین انتظار حداقلی می‌رود. منظور این است که شرع در امور اجتماعی، سیاسی و اخلاقی موارد حداقلی لازم را به ما آموخته است نه بیش از آن را. چنین دیدگاهی، با محور کردن دین در سعادت آخرتی، منکر دخالت و حضور دین در عرصه اجتماع و امور سیاسی است (عباسی، ۱۳۸۳: ۱۳۴).

**ب. قرائت حداکثری از دین اسلام:** اکثر متفکران اسلامی بر این باور هستند که دین در همه زمینه‌ها از قبیل خداشناسی، معاد، نبوت، اخلاق و حقوق، به صورت حداکثری عمل کرده است و اسلام به تمام پرسش‌های مربوط به حوزه رندگانی فردی و اجتماعی پاسخ داده است (خسروپناه، ۱۳۸۱: ۶). شهید مطهری در این رابطه چنین می‌فرماید: «اسلام ... مکتبی است جامع و واقع‌گرا، در اسلام به همه‌ی جوانب نیازهای انسانی، اعم از دنیایی یا آخرتی، جسمی یا روحی، عقلی و فکری و یا احساسی و عاطفی، فردی یا اجتماعی توجه شده است.» (مطهری، ۱۳۷۲: ۶۳).

## ۳. دولت و حاکمیت دین

همانطور که اشاره شد دولت را از منظرهای مختلفی همچون نقش، کارکرد، اهداف و غایت می‌توان تعریف و تقسیم‌بندی کرد. این مقاله، برای اتخاذ چارچوب نظری، مبنای صورت‌بندی دولت را «منشأ حاکمیت» قرار داده است. در یک تقسیم‌بندی کلی، منشأ حاکمیت دولت یا دینی است یا غیر دینی. از این‌رو می‌توان از دو نوع کلی دولت صحبت به میان آورد:

**یک. دولت دینی:** دولتی است که انتخاب حاکمان، وظایف، نقش، جهت‌گیری و اهداف دولت مستند به اراده الهی و متون دینی تعریف می‌گردد و براساس آن مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. «در دولت دینی قانون جز آنچه از سوی خداوند به پیامبران وحی شده، نیست» (لمبتون، ۱۳۸۵: ۳۷). معیار دینی بودن یک دولت استناد به دین و پذیرش مرجعیت دین در زندگی سیاسی است و همچنین در آن ساخت عمومی قدرت سیاسی یا حداقل شرایط حاکمان با معیارهای ملحوظ در نصوص دینی تعریف می‌شود (فیرحی، ۱۳۹۵: ۲۳-۲۷).

**دو. دولت غیر دینی:** دولتی است که انتخاب حاکمان، وظایف، نقش، جهت گیری و اهداف دولت مستند به اراده بشری تعریف می گردد و براساس آن مورد ارزیابی قرار می گیرد. می توان گفت هرگونه دولتی که ناظر به دین و شریعت الهی نباشد، دولت غیر دینی است.

#### ۴. نظریه های دولت در نظام سیاسی اسلام

نظریه های شکل گیری دولت در دیدگاه مسلمانان، به دو رهیافت اصلی اهل تسنن و شیعه قابل تفکیک است:

**یک. نظریه های دولت در نظام سیاسی اهل تسنن:** اهل تسنن قائل به چهار نظریه اهل حل و عقد، استخلاف، شورا و استیلاء در رابطه با شکل گیری دولت هستند. (نک: قادری، ۱۴:۱۳۸۸؛ حاجی صادقی، ۱۳۸۶:۱۹۲؛ فیرحی، ۱۳۹۵:۳۹).

**دو. نظریه های دولت در نظام سیاسی تشیع:** در تفکر شیعی می توان نظریه های دولت را ذیل دو دوره حضور معصوم (ع) و دوره غیبت معصوم صورتبندی کرد:

**الف. «امامت» به مثابه نظریه دولت در عصر حضور معصومین (ع):** شیعیان امامت را از ارکان اعتقادی اسلام می دانند و عقیده دارند که خداوند امامان معصوم (ع) را برای اداره نظام سیاسی و هدایت جامعه اسلامی بعد از پیامبر (ص) برگزیده است (فیرحی، ۱۳۹۵:۴۱-۴۲).

**ب. «ولایت فقهاء» به مثابه نظریه دولت در عصر غیبت معصوم (ع):** شیعیان معتقدند در عصر غیبت که امام معصوم و خلیفه خدا بنا بر مصالحی در پرده غیبت به سر می برند؛ مأموریت های دین یعنی تبیین، تفسیر و اجرای احکام الهی، رهبری جامعه اسلامی و قضاوت معطل نمانده و لاجرم کارشناسان دین، اجرای این وظایف خطیر را به نیابت از امام متعهد می شوند (حاجی صادقی، ۱۳۸۶:۱۹۷-۱۹۸). در دوران غیبت امام معصوم (ع)، در تفکر شیعی دو رهیافت کلی در رابطه با ولایت فقهاء قابل پیگیری است:

**یک. نظریه انتخاب:** نظریه انتخاب، که عمدتاً پس از تأسیس نظام جمهوری اسلامی ایران مطرح شده است؛ مهم ترین نظریه در مقابل نظریه انتصاب قرار دارد. مبنای مشروعیت در این نظریه الهی- مردمی قلمداد می شود. در این نگاه فقیه تنها در محدوده قانون اساسی و قراردادی که با مردم بسته، موظف به اعمال قدرت و حکومت است (لک زایی، ۱۳۸۶: ۵۴-۵۰).

**دو. نظریه انتصاب:** شیعه با استناد به اصل امامت معصوم اعتقاد دارد که تنها حاکمی که از طرف خداوند به عنوان حاکم جامعه اسلامی برگزیده باشد، دارای مشروعیت است (نویسی، ۱۳۸۱: ۱۱۶). نقش مردم در این نظریه در حد پذیرش ولایت فقها و فعلیت دادن و کارآمد کردن ولایت و حکومت آنهاست و مردم عنصر مشروعیت بخش به حساب نمی آیند (لک زایی، ۱۳۸۶: ۴۸-۴۹).

### ج. بنیان‌های تفکر سیاسی آیت الله خامنه‌ای

در تفکر سیاسی اندیشمندان تفاوت‌های بنیادینی وجود دارد که ریشه آن در بنیان‌های فکری مختلف است. به طوری که اندیشمند معتقد به خدا، همه عالم را مخلوق و جلوه‌ای از او می‌داند اما اندیشمند ماتریالیست که اعتقادی به هیچ مبدء و معادى ندارد نگاه دیگری به هستی دارد. همین تمایز باعث می‌شود در تلقی از سیاست و اندیشه سیاسی تفاوت اساسی به وجود آید (مهاجرنیا، ۱۳۹۳: ۸۹). از اینرو اجمالاً به بنیان‌های تفکر سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای اشاره می‌شود:

#### ۱-۳. هستی‌شناسی

از منظر آیت الله خامنه‌ای بینش توحیدی باید زیربنا و قاعده اساسی تمام طرح‌ها، برنامه‌ها و افکار عملی و زندگی ساز در اسلام باشد. ایشان نگرش توحیدی را دارای نقش سازنده در زندگی انسان‌ها می‌دانند (مهاجرنیا، ۱۳۹۳: ۹۳). در واقع، توحید نوعی طرز فکر است که در بنای جامعه و اداره آن نقش اساسی دارد: «توحید هم جزو جهان‌بینی اسلام است، هم جزو ایدئولوژی سازنده زندگی ساز اسلام است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲: ۱۸۱).

#### ۲-۳. معرفت‌شناسی

حضرت آیت الله خامنه‌ای، تفکرات غربی‌ها را تفکراتی مبتنی بر معرفت‌شناسی مادی و غیرالهی معرفی می‌کنند و بر غلط بودن هر دستگاه علمی و فکری که بر پایه معرفت مادی و اعتقاد مادی باشد، تاکید دارند. ایشان معتقدند باید با اعتقاد به وجود خدا، اعتقاد به قدرت خدا، حضور الهی و ربوبیت الهی به حقایق آفرینش نگاه کرد و بایستی با نگاه معرفت‌شناسی الهی به حقایق پی برد (بیانات ۱۳۹۳/۰۱/۳۰).

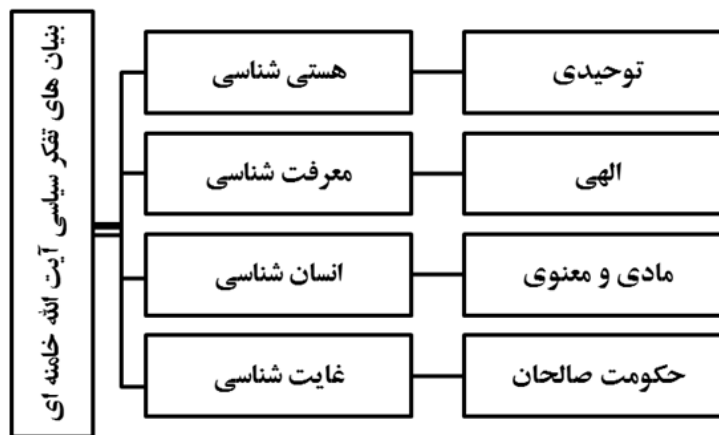
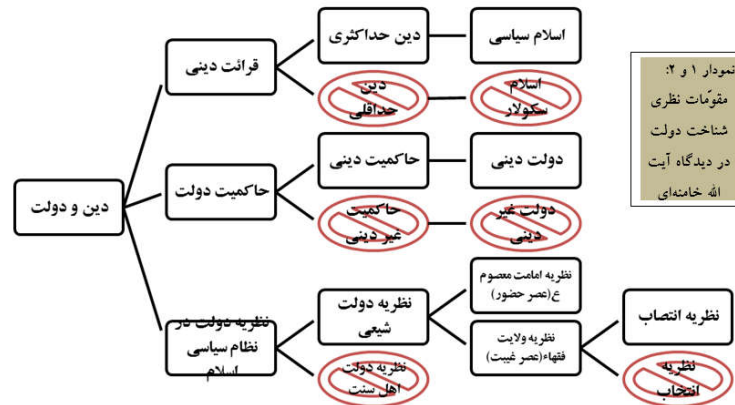
#### ۳-۳. انسان‌شناسی

رابطه معناداری میان بنیادهای انسان‌شناختی با اندیشه سیاسی آیت الله خامنه‌ای وجود دارد. آیت الله خامنه‌ای بر اساس آموزه‌های اسلامی جایگاه ویژه‌ای برای انسان قائل است و

ابعاد چندگانه‌ای برای انسان در نظر می‌گیرد: «انسان محدود در جسم نیست؛ محدود در زندگی چندروزه دنیا نیست؛ محدود در معنویات هم فقط نیست؛ محدود در یک قطعه شخصی از تاریخ هم نیست؛ انسان همیشه در همه حال انسان است و ابعاد وجودی انسان، ابعاد لایتناهی است و ناشناخته است» (بیانات ۱۳۷۷/۰۸/۲۶). ایشان در قوام شخصیت انسانی علاوه بر تاثیر عوامل و عناصر خارجی و ظاهری برای مقومات دیگری مانند افکار و جهان‌بینی در تشکیل شخصیت او منشأ اثر فراوان قائل هستند (بیانات ۱۳۶۸/۰۳/۱۸). بر اساس این دیدگاه، اسلام درصدد ساختن یک انسان کامل می‌باشد و از اینرو، شناخت انسان کامل یا نمونه اسلامی برای آحاد مسلمان به منظور الگوپذیری و تاسی پذیری واجب است (مطهری، ۱۳۸۷: ج ۲۳ ص ۲۵)

#### ۳-۴. غایت شناسی

آیت الله خامنه‌ای طبق بینش اسلامی، سرانجام تاریخ را مثبت و جریان عالم را به طور قطع به سمت حاکمیت حق و به سمت صلاح و حکومت صالحان عنوان می‌کنند (بیانات ۱۳۷۹/۰۹/۱۵). همچنین تداوم حیات بعد از مرگ را یکی از نقطه‌های اصلی و اساسی در جهان‌بینی اسلامی می‌خوانند. در دیدگاه آیت الله خامنه‌ای این قاعده که «در اسلام زندگی با مردن تمام نمی‌شود» در تنظیم روابط زندگی و در تنظیم پایه‌های حکومت اسلامی و همچنین اداره جامعه و اداره عالم موثر است (مهاجرنیا، ۱۳۹۴: ۱۰۴).



## ۲. ماهیت دولت اسلامی از دیدگاه آیت الله خامنه‌ای

### ۲-۱. شاکله معنایی و هویتی دولت اسلامی

#### ۲-۱-۱. ماهیت دولت اسلامی

در دیدگاه مقام معظم رهبری دولت به معنای مجموعه کارگزاران و نهادهای حکمرانی اطلاق می شود: «دولت به معنای عام، نه به معنای هیئت وزراء؛ یعنی قوای سه گانه، مسئولان کشور، رهبری و همه» (بیانات ۱۳۷۹/۰۹/۱۲). آنچه در این دیدگاه معرف دولت اسلامی از سایر دولت‌ها است، رفتار کارگزاران و کارکردی است که دولت اسلامی دنبال می کند: «معنای شعار دولت اسلامی این است که ما می خواهیم اعمال فردی، رفتار با مردم، رفتار



بین خودمان، و رفتار با نظام‌های بین‌المللی و نظام سلطه امروز جهانی را به معیارها و ضوابط اسلامی نزدیک‌تر کنیم. این شعار، بسیار با ارزش است» (بیانات ۱۳۸۴/۰۶/۰۸). مقام معظم رهبری در جایی دیگر نیز از همین منظر دولت اسلامی را تعریف می‌نماید: «تشکیل دولت اسلامی به معنای حقیقی ... تشکیل منش و روش دولتمردان یعنی ماها به گونه اسلامی...» (بیانات ۱۳۷۹/۰۹/۱۲).

## ۲-۲-۲. مبانی دولت اسلامی

**یک. پیوند دین و سیاست:** در دیدگاه مقام معظم رهبری، اسلام یک دین سیاسی است و دولت نمی‌تواند نسبت به آموزه‌های اسلامی، انفعالی رفتار کند بلکه در واقع، دولت باید مجری احکام و آموزه‌های اسلامی باشد: «آن عاملی که در اسلام ضامن اجرای احکام است، حکومت اسلامی و حاکمیت احکام قرآن است» (بیانات ۱۳۷۸/۰۱/۱۶). در این دیدگاه همچون امام ره بر تمیز بین اسلام حقیقی و اسلام متعارف تأکید می‌شود: «نسبت اجتماعیات قرآن با آیات عبادی آن، از نسبت صد به یک هم بیشتر است. از یک دوره کتاب حدیث که حدود پنجاه کتاب است.. سه چهار کتاب مربوط به عبادات.. مقداری از احکام هم مربوط به اخلاقیات است؛ بقیه همه مربوط به اجتماعیات، اقتصادیات، حقوق و سیاست و تدبیر جامعه است» (امام خمینی ره، ۱۳۸۷: ۱۱).

**دو. ضرورت حیات اجتماعی:** در دیدگاه مقام معظم رهبری تشکیل و ساخت دولت صرف نظر از ماهیت و ذات آن، یک ضرورت اجتماعی به شمار می‌آید و انسان‌ها ناگزیرند برای پیشبرد امورات زندگی فردی و اجتماعی تن به دولت دهند. ایشان با استناد به حدیث منسوب به امیرالمومنین (ع) «و انه لا بد للناس من امیرٍ یُر او فاجرٍ» وجود حکومت در جامعه را یک ضرورت اجتماعی، طبیعی و انسانی بیان می‌کنند و معتقدند جامعه در درجه اول به یک اداره کننده و مدیر احتیاج دارد که این را ضرورت زندگی انسان ایجاب می‌کند و مسأله خوب و بد بودن وی مسأله بعدی است (بیانات ۱۳۶۰/۰۲/۲۹).

**سه. لزوم تحقق حیات طیبه اسلامی:** به نظر می‌رسد سومین مبنایی که تشکیل دولت اسلامی را در دیدگاه مقام معظم رهبری توجیه می‌کند لزوم تحقق حیات طیبه اسلامی است. ایشان این امر را از اهداف تغییر رژیم پهلوی بیان می‌کنند و می‌فرمایند: «ما فرقمان با بقیه گروه‌هایی که در کشورهای مختلف می‌آیند یک رژیمی را تغییر می‌دهند... این است که ما آمدیم تا حیات طیبه اسلامی را برای کشورمان و برای مردمان باز تولید کنیم؛ آن را تأمین کنیم» (بیانات ۱۳۸۷/۰۶/۱۹).

### ۳-۱-۲. الگوی آرمانی دولت اسلامی

مقام معظم رهبری، نه تنها دولت اسلامی بلکه اساس و بنیان انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی را برگرفته از مکتب حضرت علی (علیه السلام) می‌داند: «انقلاب اسلامی الگو و نمونه خود را از امیرالمومنین گرفت و نظام جمهوری اسلامی به وجود آمد» (بیانات ۱۳۸۰/۰۱/۰۱). البته از بیانات ایشان برمی‌آید که این الگوگیری به معنای همسانی و همترازی با حکومت و حکمرانی علوی نیست؛ بلکه جهت‌گیری جامعه و مسئولین نظام اسلامی در این راستا حائز اهمیت است (بیانات ۱۳۷۰/۰۱/۱۶).

### ۴-۱-۲. ویژگی‌های دولت اسلامی

از مجموعه بیانات آیت الله خامنه‌ای در رابطه با نظام سیاسی اسلام و به تبع آن دولت اسلامی نکاتی استنباط می‌شود: اول آنکه نظام اسلامی، بیانات، واضحات و امر و نهی‌هایی دارد (بیانات ۱۳۷۸/۰۶/۱۰). دوم آنکه حکومت اسلامی برای دنیا حرف نوئی دارد (بیانات ۱۳۷۸/۱۱/۰۴) و سوم آنکه، نظام اسلامی برآمده از انقلاب، از شرق و غرب الگو نگرفته است (بیانات ۱۳۷۹/۰۲/۲۳). با توجه به این نکات می‌توان ویژگی‌های ایجابی و سلبی خاصی برای دولت اسلامی متصور شد که وجه تمایز دولت اسلامی از دولت غیر اسلامی است:

**ویژگی‌های ایجابی:** ویژگی‌هایی هستند که به مثابه شرط لازمه برای تحقق دولت اسلامی ضروری است. ابتدای دولت بر پایه ولایت الهی، حکمرانی مبتنی فقه اسلامی (بیانات ۱۳۷۴/۰۹/۱۶)، اهتمام توأمان دولت به امر مادی و معنوی (بیانات ۱۳۷۷/۰۲/۰۲)، ضمانت درونی داشتن دولتمردان (بیانات ۱۳۷۸/۰۱/۱۶)، صیانت از حقوق مردم (بیانات ۱۳۷۸/۰۱/۱۶)، تکریم شأن و مقام انسان (بیانات ۱۳۷۸/۰۶/۱۰)، سوق دادن مردم در مسیر رشد و تعالی (بیانات ۱۳۶۹/۰۵/۰۷) از جمله ویژگی‌های ایجابی است.

**ویژگی‌های سلبی:** ویژگی‌هایی هستند که با حاکم شدن بر دولت، مانع تحقق دولت اسلامی و به تبع آن اهداف انقلاب اسلامی می‌شوند. از اینرو مسئولان باید از این ویژگی‌ها مبرا باشند. نگاه مادی به مقام و منصب، مسئولیت را به مثابه غنیمت پنداشتن (بیانات ۱۳۷۱/۰۱/۱۷)، زورگویی، قانون‌گریزی (پیام ۱۳۶۹/۰۳/۱۰)، رشوه‌گیری، فساد اداری، ویژه‌خواری، کم‌کاری، بی‌اعتنایی به مردم، میل به اشرافی‌گری، حیف و میل بیت‌المال (بیانات ۱۳۸۴/۰۵/۲۸) از جمله این ویژگی‌ها هستند.